

بسمه تعالی

"مشکلات عملی بانکداری اسلامی"

متن مقاله جناب آقای اسداله امیر اصلانی مدیر عامل بانک ملی ایران

نظریه حرمت ربا در فقه اسلامی و تکالیف مقرر در اصل چهارم قانون اساسی مبنی بر این که کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و غیره باید بر اساس موازین اسلامی باشد، و با توجه به مقررات لایحه قانونی اداره امور بانکها در مورد موظف نمودن شورای عالی بانکها در انطباق معاملات بانکها با موازین اسلامی، شورای مذکور در سال ۱۳۶۱ تصویب نمود لایحه مورد نیاز در کمیسیون تخصصی و تحت مسئولیت معاون امور بانکی وزارت امور اقتصادی و دارائی تهیه گردد. این کمیسیون در رشته های تخصصی مختلف و مربوط از فقهاء و مدرسین مشهور - بعضاً "عضو فقهاء محترم شورای نگهبان بودند - و اساتید اقتصادی دانشگاهها و بانکداران مجرب و یک نفر از بازرگانان قدیمی و مسلط به امور تجارت تشکیل شده بود.

تدوین لایحه با همکاری دو نفر از اعضا، کمیسیون مذکور و یک نفر از کارشناسان ورزیده و فاضل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و در جلسات شورای عالی بانکها و شورای پول و اعتبار در حضور یک نفر دیگر از آیات عظام فقهاء، شورا، نگهبان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته و نهایتاً "پس از بحث در دولت و کمیسیون ویژه مجلس با کمترین تغییر به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای محترم نگهبان رسید و در شهریور سال ۱۳۶۲ برای اجرا، به دولت ابلاغ گردید.

قبل از تهیه و تصویب قانون هنگامی که مسئله حذف بهره از عملیات بانکها مورد بحث و بررسی قرار می گرفت نوعاً "تصور بر آن بود که چه ابزاری می تواند این چنین گسترده جایگزین بهره گردد. ابزاری که تنظیم کننده کل سیاستهای پولی، تخصیص منابع و جذب پول به شمار می رفت. لذا این امر مورد بررسی قرار گرفت که در سطح کل بانکها تقاضای پول به چه منظور انجام می گیرد و با توجه به معارف و روشهای اسلامی چگونه می توان این نیازها را پاسخگو بود. مجموعه روشهای پیشنهادی مبنای تدوین قانون عملیات بانکی بدون ربا را تشکیل می داد.

بطور مثال اگر بازرگانی برای جابجائی کالا نیازمند تسهیلات بانکی باشد و خود او نمی خواهد (نمی تواند) قسمتی از سرمایه را تامین کند، بانک با استفاده از عقد مضاربه تسهیلات مورد نیاز را در اختیار او قرار می دهد. ولی اگر بازرگان نیز متمایل باشد بخشی از سرمایه را تامین نماید بانک می تواند با استفاده از عقد مشارکت مدنی همان تسهیلات را در اختیار مشتری قرار دهد. در مورد راه اندازی کارگاه های تولیدی و کارخانه ها با توجه به مدت زمان مورد نیاز و ماهیت عملیات با استفاده از عقد مشارکت حقوقی نسبت به تامین منابع اقدام می نماید و عملاً "با متقاضی وارد امور راه اندازی و بهره برداری کارگاه می شود."

در مواردی که سیاست های اقتصادی بانک و یا دولت ایجاب نماید بانک های توانمند مستقیماً "نیز به سرمایه گذاری در امور تولیدی و خدماتی مبادرت ورزند."

برای پاسخگویی به نیاز و واحدها جهت تهیه مواد اولیه، ابزار کار، قطعات یدکی و ماشین آلات، بانک بنا به درخواست متقاضی و وسایل مورد نیاز را خریداری و به صورت اقساطی به مشتریان واگذار می نماید. برای تامین سرمایه در گردش واحدها بانک های توانمند با استفاده از عقد سلف تولیدات آنها را پیش خرید نمایند. به منظور کمک در امر مسکن، بانکها با استفاده از عقد مشارکت مدنی متقاضیان را در ساخت مسکن مورد نیاز خودیاری کرده و پس از اتمام عملیات ساختمانی سهم خود را از طریق عقود جاریه به شرط تملیک و یا فروش اقساطی به مشتریان واگذار می نمایند. از دیگر عقود که در عملیات بانکی کاربرد وسیعی دارد می توان جعاله را نام برد. با استفاده از این قرارداد بانک های توانمند در بازسازی واحدهای تولیدی بزرگ، تعویض ماشین آلات، اصلاحات و تعمیرات اساسی کارخانه ها، تسهیلات لازم را در اختیار صاحبان صنایع قرار دهند. بدین ترتیب که بانک (راساً و یا توسط پیمانکار) کار بازسازی را انجام می دهد و پس از احتساب هزینه های انجام شده و دستمزدهای عملیات، مطالبات خود را به طور اقساط از مشتری دریافت می نماید.

در تمام موارد فوق قبلاً "این امکان وجود داشت که افراد با سپردن وثیقه و پرداخت بهره نیازهای خود را از طریق سیستم بانکی تامین نمایند. بانک نظارتی در مصرف وجوه نداشت و متقابلاً "هیچگونه مسئولیتی هم در مقابل عدم نفع و یا ضرر مشتری به عهده نمی گرفت و با توجه به دستورالعملهای ابلاغی در صدی را به عنوان بهره، مازاد بر پرداختی خود از مشتری دریافت

می نمود و به هر حال چون وثائق لازم را نیز در اختیار داشت احتمال کمی در سوخت و امه های پرداختی پیش بینی می نمود .

در حالی که در نظام جاری این امکان وجود دارد که بانک گاهی بیش از سودمور دانتظار از مشارکت منتفع گردد و گاهی نیز نتواند سودمور دانتظار را به دست آورد و مشتری اجباری در پرداخت سود پیش بینی شده ندارد . نتیجه عملیات است که سود هر یک از طرفین را مشخص می نماید .

در نظام بانکداری اسلامی امکاناتی نیز وجود دارد که قبلاً " برای بانکها ممتور نبود از آن جمله می توان پرداخت قرض الحسنه را نام بر دکه در موارد نیازهای ضروری اشخاص و یا واحدهائی که بنابه مصالحی ضرورت دارد دمور د تقویت و حمایت واقع شوند ، مور د استفاده قرار می گیرد . مشکلاتی که بانکها در عمل در رابطه با قانون و آئین نامه ها و نوع معاملات با آنها مواجه شده اند به طور اختصار عبارتند از :

عدم آموزش لازم :

در فاصله کوتاه بین تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (شهریور ۱۳۶۲) و اجرای آن (ابتدای سال ۱۳۶۳) ضرورت داشت که کارکنان بانکها با مفاهیم و نوع معاملات مور د عمل آشنا می شدند . آموزش حدود ۷۰ هزار نفر در این مدت امری بسیار مشکل بود بخصوص آن که تعداد مدرسان نیز بسیار محدود بودند . بنا بر این بانکها در مرحله اول کارشناسان خود را در کلاسهای فشرده مور د آموزش قرار دادند و سپس آنها در سرپرستیها و شهرستانها امر آموزش کارکنان را به عهده گرفتند . در نتیجه آموزش انجام شده بسیار عجولانه و سطحی بود و به صورت عمیق و گسترده و در سطح مطلوبی انجام نگرفت . و هنوز هم که شش سال از اجرای قانون می گذرد ضرورت دارد بانکها در مور د آموزش کارکنان خود به صورت گسترده اقدامات جدی به عمل آورند .

عدم تبلیغ کافی :

افراد جامعه با توجه به عادت ۶۰ یا ۷۰ ساله ای که در رابطه با بانکداری مبتنی بر بهره داشتند نظام جدید را با ناباوری تلقی می کردند و ضرورت داشت مسئولان بانکها با برنامه ریزی

دقیق، نظارت شده و مستمر در جهت آشنا ساختن افراد جامعه بانظام جاری تلاش بیشتری مبدول نمایند. متأسفانه این برنامه ریزی انجام نشد و با تغییر مدیریتهای بانکها در سطح بسیار گسترده نیل به این هدف با مشکل مواجه شد زیرا حتی تعدادی از مسئولان خود تلقی درستی از قانون نداشته و در بعضی از مصاحبه‌ها آن را یک سیستم انتقالی معرفی می‌کردند.

مشکلات اجرایی در رابطه با قوانین دیگر :

نظر به اینکه قرار دادهای جماله نوعی پیمانکاری محسوب می‌شوند، استفاده کنندگان از اینگونه تسهیلات بانک باید ۵ درصد مالیات بپردازند. ولی باید توجه داشت که ایمن پرداخت با سایر پرداختهای پیمانکاری متفاوت است و توجیهی برای پرداخت مالیات بر درآمد پیمانکاری وجود ندارد و باید در معاملات فروش اقساطی (بخصوص در مورد معاملات اتومبیل و تلفن)، چون بانک کالا را خریداری و به مشتری به صورت اقساطی واگذار می‌کند مالیات نقل و انتقال به معامله تعلق می‌گیرد ولی در واقع بانک بعنوان واسطه و جوه در این معاملات شرکت می‌کند و قاعدتاً "نباید مالیات نقل و انتقال در این مرحله به معامله تعلق گیرد علاوه بر آن اینگونه پرداختها هزینه معامله را برای استفاده کنندگان از تسهیلات بانکی بالا می‌برد.

از دیگر مشکلات در این ارتباط زمانی است که شخصی بخواهد با استفاده از تسهیلات بانک کامیون ویا وانتی را از تولیدکنندگان داخلی خریداری نماید. طبق مقررات قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک باید کامیون را خریداری و به مشتری به صورت اقساطی ویا اجاره به شرط تملیک واگذار نماید. ولی شرکتهای تولیدکننده معمولاً "از واگذاری آن به بانک امتناع می‌ورزند و فقط به شخصی که حواله به نام او صادر شده است واگذار می‌نمایند. در صورت واگذاری به بانک مشکل اداره راهنمایی و رانندگی پیش می‌آید که این کامیون باید نمره دولتی داشته باشد که ماهیتاً "صحیح نخواهد بود. چون استفاده کننده از کامیون بانک نیست و مشتری بانک می‌خواهد از آن بهره‌برداری نماید که به هر حال وجود نمره دولتی در این خصوص صحیح نخواهد بود.

در رابطه با مشکلات فوق مسئولان سیستم بانکی کشور باید در جهت هماهنگی این مقررات

برآیند و هر چه سریعتر نسبت به رفع اشکالات فوق اقدام نمایند.

پرداخت سودیکنواخت در کلیه بانکها :

اینگونه پرداختها دارای دو اشکال عمده است. اول آن که پرداخت سودیکسان در تمام بانکها قویا " تلقی نرخ بهره را در اذعان به وجود می آورد. دیگر آن که مشتریان بانکها تفاوت نحوه عمل و سوددهی بانکهای مختلف را مشاهده نمی کنند. حتی در شرایط اقتصادی متفاوت که سودبانکها متفاوت بوده است در پرداخت به سپرده گذاران تغییری صورت نگرفته و آنها واقعا " احساس نمی کنند که این سرمایه آنها است که در بازار معاملات و تولید واری می شود. این شکل پرداخت که از آخر سال ۱۳۶۳ شروع شد به آن علت بود که در آن زمان کلیه سپرده های قدیم به سپرده های قرض الحسنه و سرمایه گذاری تبدیل شده ولی وامهای پرداختی گذشته به عقود اسلامی تبدیل نگردیده بود. در نتیجه سود معاملات بر مبنای عقود اسلامی بسیار ناچیز بود در حالی که بانکها از محل وامهای پرداختی در آمد قابل ملاحظه ای داشتند بنا بر این مجمع عمومی بانکها تصویب کرد بانکها قسمتی از سود خودشان را به صورت سوبسید بر سود حاصل از کاربرد عقود اسلامی که به طور علی الحساب محاسبه شده بود اضافه کرده و به سپرده گذاران پرداخت کنند که این روش تاکنون اجرا شده است. ولی ارجح آن است که مجمع به گونه ای دیگر عمل کند یعنی تا هنگامی که نتیجه معاملات قدیم به صفر نرسیده است سوبسید پرداختی معینی را در هر سال اعلام کند و بانکها سود معاملات خود بر مبنای عقود اسلامی را دقیقاً " محاسبه و به اضافه سوبسید اعلام شده به سپرده گذاران پرداخت کنند تا مشکلات فوق الذکر در زمان کوتاهی مرتفع گردد.

پرداختهای تکلیفی :

از سالهای بعد از انقلاب به موجب تبصره های قوانین بودجه مستمرا " بانکها به پرداختهایی مکلف شده اند که در چهار چوب ضوابط و مقررات بانکی نبوده و نوعاً " بانکها را در وصول مطالبات خود با اشکال مواجه نموده است. مضافاً " آن که از سال ۱۳۶۲ به بعد بانکها طبق قوانین مختلف ملزم به پرداخت قرض الحسنه شده اند که این حجم قرض الحسنه پرداختی به مراتب بیش از توان آنها در پرداخت قرض الحسنه است و اینگونه پرداختها که حتی هزینه های تمام شده پول را هم تامین نمی نماید موجب کاهش توان سودآوری بانک می شود. یکی دیگر از

مشکلات بانکها در همین رابطه مطالبات آنها از ارگانها و نهادهایی شبیه بنیاد مستضعفان ، بنیاد شهید، سازمان صنایع ملی و غیره می باشد که تاکنون وصول نشده اند ولی بانکها امیدوارند با کمک بانک مرکزی بتوانند نسبت به وصول اینگونه مطالبات اقدام نمایند .

عدم وجود اطلاعات و آمار لازم :

با توجه به نوع معاملاتی که بانکها باید در آنها مشارکت داشته باشند ضرورت دارد اطلاعات و آمار مربوط به قیمتها و کیفیت کالاها در کشورهای مختلف و ضوابط مربوط به صدور و ورود کالا به کشور به صورت هفتگی در اختیار شعب قرار بگیرد تا بتوانند در رابطه با معاملات خود تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند . اطلاعاتی بر رویه های سابق از قبیل تعداد چکهای برگشتی و گردش حساب جاری مشتری کفایت انجام معاملات را ندارد .

در خاتمه امیدوارم این سمینار پایه ای باشد برای بررسیهای گسترده تر و بانکها بتوانند در عمل به تحقق اهداف قانون عملیات بانکی بدون ربا جامه عمل بپوشانند .

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته .